

سیاست‌های تجارت مرزی و نقش آن در زندگی تحصیلی جوانان مرزنشین

سیداحمد فیروزآبادی^۱، حسین راغفر^۲، هیوا احمدی^۳

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۰۶/۲۱ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۱/۱۶

چکیده

پژوهش پیش رو، با رویکرد نظریه‌مبنایی، به مطالعه کیفی نقش سیاست‌های تجارت مرزی بر زندگی تحصیلی جوانان مرزنشین پرداخته است. به مقتضای رویکرد پژوهش، با استفاده از تکنیک‌های مصاحبه گروهی و فردی نیمه‌ساختاریافته، مشاهده و اسناد، اطلاعات تحقیق جمع‌آوری شده و با استفاده از روش نظریه‌مبنایی به فرایندها، تعاملات و پیامدهای واقعیت‌های تحصیلی و هژمونی بازار پرداخته شده است. با روش نمونه‌گیری نظری و هدفمند، با سه گروه مختلف شامل بازاریان (۱۳ نفر)، فرهنگیان (۱۴ نفر) و محصلان (۸ گروه و ۷ نفر)، مصاحبه‌های فردی و گروهی انجام شده است. در گروه بازاریان، به واسطه وجود افراد ترک تحصیل کرده، از نمونه‌گیری گلوله برفی نیز استفاده شده است. پس از انجام مصاحبه‌ها داده‌های گردآوری شده، در قالب ۲۶۵ مفهوم و ۵۴ مقوله صورت‌بندی شده‌اند. مقولات برآمده از دیدگاه هر گروه از مشارکت‌کنندگان مجدداً ترکیب و در سطح انتزاع بالاتری صورت‌بندی گردیدند. در نهایت، ماحصل آن، ۱۳ مقوله عمده نهایی بود. یافته‌ها حاکی از آن است که فقر تاریخی، ناکارآمدی آموزش عالی، محدودیت صنعتی و محیطی به‌منزله شرایط علی، انگاره ذهنی دیگران مهم، پول؛ معنادارترین عینیت، ضعف فرهنگی-آموزشی در سطح محلی، به‌منزله شرایط مداخله‌گر در هژمونی پول و محاسبه‌گری در زندگی تأثیرگذارند. جوانان در برخورد با چنین شرایطی، راهبردهای کنشگری اقتصادی، سودجویی و کسب منزلت مادی را اتخاذ کرده‌اند. این هژمونی، پیامدهای فرهنگی همچون بی‌ارزشی تحصیلات، رنگ‌باختگی اعتبار فرهنگی، ترک تحصیل و کنش‌های ذهنی ترک تحصیل را در پی داشته است.

واژگان کلیدی: تحصیلات جوانان، هژمونی بازار، محاسبه‌گری، سودجویی، شهرستان بانه

۱. دانشیار گروه مطالعات توسعه اجتماعی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه تهران، پست الکترونیکی:

afirouzabadi@ut.ac.ir

raghhg@yahoo.co.uk

۲. دانشیار گروه اقتصاد، دانشکده علوم اجتماعی و اقتصادی، دانشگاه الزهراء، پست الکترونیکی:

۳. کارشناس ارشد مطالعات توسعه اجتماعی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه تهران، پست الکترونیکی:

h.ahmadi6@alumni.ut.ac.ir

پژوهش حاضر برگرفته از پایان‌نامه کارشناسی ارشد هیوا احمدی با عنوان «تبیین جامعه‌شناختی هژمونی بازار و تحصیلات جوانان شهرستان بانه» با راهنمایی دکتر سیداحمد فیروزآبادی و مشاوره دکتر حسین راغفر است.

مقدمه و بیان مسئله

زیست‌جهان و کنشگری مردمان مناطق مرزی و به‌خصوص جوانان، به‌واسطه سیاست‌های اقتصادی‌ای که دولت‌های مختلف طی سالیان برنامه‌ریزی و اجرا کرده‌اند، یکی از محوری‌ترین ابعاد پدیده‌های اجتماعی است. پدیده خاص این تحقیق، علل و پیامد و سازوکار انتخاب جوانان و عملکرد کنشگران جوان است که سرمایه نسل‌های آینده مناطق مرزی‌اند. درواقع، مسئله اصلی، بحث انتخاب در کشاکش بازار و تجارت مرزی و تحصیلات است. کنشگری در کشاکش میدان‌های مختلف، معنابخش نوع سرمایه و توسعه در آینده است که اگر واکاوی نشود، چه‌بسا نیرو و سرمایه انسانی در معرض مخاطره قرار گیرد.

آنچه اهمیت این امر را بیشتر نمایان می‌کند، جایگاه سرمایه‌های انسانی در توسعه اقتصادی و اجتماعی است و نه سرمایه‌های مادی و منابع زیرزمینی. محققان مختلفی (کریستینا^۱ و همکاران، ۲۰۱۴؛ تاندن^۲، ۲۰۰۸؛ تامسون^۳، ۲۰۰۸) آموزش عالی را برای رسیدن به توسعه با ابعاد اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی ضروری دانسته‌اند. به‌علاوه، رسیدن به اهداف توسعه هزاره، شاخص‌های گفتمان توسعه جهانی، رسیدن به پیشرفت‌های فناوری و تکنولوژیکی بدون نیروی ماهر باسواد، غیرقابل‌تصور است (کروز^۴ و همکاران، ۲۰۱۵: ۲۲). طبق گزارش دانشگاه ایلینوی شمالی، نقش آموزش عالی به‌عنوان یک محرک توسعه به‌کرات اثبات شده است که برای پابرجاماندن در چرخه تغییرات جهانی باید مورد تأکید قرار گیرد (گزارش دانشگاه ایلینوی شمالی^۵، ۲۰۰۵: ۱۲).

سیاست‌های مختلف اقتصادی و آموزشی در سطح کلان، انتخاب جوانان را که به‌صورت دال‌های معنایی^۶ می‌مانند و تحت تسلط محرک‌های بیرونی‌اند و در یک معنا کنش‌هایشان پاسخ به محیط بیرونی است، به چالش می‌کشد. در کشاکش این دیالکتیک در بین جوانان بانه، میدان بازار و سرمایه و پول‌مداری و عادات‌واره‌های آن بوده که توانسته است بر نظام مدرسه و عادات‌واره‌های خاصش - که به‌هیچ‌وجه منجمد نیست - تفوق پیدا کند. این تفوق به‌اندازه‌ای بوده است که امروزه وضعیت اخلاقی و فرهنگی بیش‌ازپیش در حال تبدیل‌شدن به مظهری از مناسبات بازار است (اسلیتر^۷ و تونیکس^۸، ۱۳۸۶: ۲۴۸). اگر این وضعیت به همین منوال ادامه پیدا کند، بی‌تردید زندگی تحصیلی جوانان شهرستان بانه و سرمایه تحصیلی، با چالش بیشتری روبه‌رو خواهد شد. چالش تحصیلات و آموزش به‌واسطه سلطه بازار نه‌تنها باعث هزینه‌ها و آسیب‌های

1 Christina

2 Tandon

3 Thomson

4 Kruss

5 Northern Illinois University (NIU)

6 Signifiers of Signs

7 Sliter

8 tokiss

اجتماعی و فرهنگی فراوانی می‌شود (شاطریان، ۱۳۹۲؛ اندرسون^۱، ۲۰۱۰؛ دوبروگ^۲ و همکاران، ۲۰۰۵؛ لاکنر^۳ و مورتی^۴، ۲۰۰۳، ۲۰۰۴، ماچن^۵ و همکاران، ۲۰۱۳)، بلکه جامعه را از توسعه پایدار مدنظر کشورها دور می‌سازد. هژمونی بازار و سرمایه به جایی رسیده است که جامعه در آن حل شده و فرهنگ و جامعه در خدمت آن قرار گرفته است که این، خود، مسئله و دغدغه این پژوهش را در جامعه بانه بهتر نمایان می‌کند.

ریشه بازار و ظهور مراکز تجاری بزرگ موجود، به آخرین فرم نظام سرمایه‌داری، یعنی نولیبرالیسم برمی‌گردد (باینگانی، ۱۳۹۵). نظام آموزشی به‌عنوان جزئی از نظام فرهنگی زیر سیطره این گفتمان بازار در امان نمانده است و با وجود عصری که دانش، فرایند عقلانی‌شدن را هدایت می‌کند، در این شهر با زوال ارزش دانش مواجهیم و بیشتر تقدس مالکیت مادی، اصالت اسکناس، و معیارهای مالی به‌عنوان نمودهای برجسته مقررات اخلاقی ارزش پیدا کرده است. درواقع، با جامعه‌ای مواجهیم که به قول فایده‌گرایان، چیزی نیست جز مجموعه‌ای از افراد مستقل، متفاوت و عاقل؛ افرادی که تمام مقصود و هدفشان فقط و فقط کسب لذت و پرهیز از رنج است (میلنر و براویت، ۱۳۸۵: ۲۶). طبق ادعای این پژوهش، بازار به‌عنوان عامل اصلی در کنار دیگر عوامل تشدیدکننده باعث مسئله‌شدن حیطه آموزش در شهرستان بانه شده است. امروزه در جامعه بانه، فعالیت‌های فرهنگی، در برابر جامعه بازار و سوداگری‌های بازاریان، اهمیتش را از دست داده است و مدرسه به‌عنوان گفتمانی که ارزش جامعه را منعکس می‌کند، از دید فاعلانش با خلأهایی مواجه است. جوانان به‌عنوان قشری که باید آمادگی‌هایی برای ورود به بازار داشته باشند، به‌دلیل ناکارآمدبودن جامعه‌پذیری اقتصادی، با عادت‌واره‌های مدرسه دچار ازهم‌گسیختگی شده‌اند.

جدول شماره ۱. باسوادان ۶ساله و بیشتر که در حال حاضر تحصیل نمی‌کنند

سال	رده سنی			
	۱۵-۱۹ سال	۲۰-۲۴ سال	۲۵-۲۹ سال	۳۰-۳۴ سال
۱۳۹۰	۸۹۵۰ نفر	۱۴۰۶۱ نفر	۱۲۹۳۵ نفر	۱۰۴۱۶ نفر
۱۳۹۵	۶۱۷۹ نفر	۱۲۱۶۸ نفر	۱۶۶۷۱ نفر	۱۴۹۵۷ نفر

منبع: مرکز آمار ایران

جدول بالا نماگرهایی را نشان می‌دهد که مصادف با اواسط یک دهه رونق تجارت و بازار مرزی است. در سال ۱۳۹۰ دو بازه سنی ۲۰-۲۴ و ۲۵-۲۹ بیشترین میزان فراغت از تحصیل را به خود اختصاص داده است.

1 Anderson
2 Dubourg
3 Lochner
4 Morettim
5 Machin

این دوران دقیقاً مصادف با اوج رونق تجارت و بازار مرزی است که سبک‌های زندگی مختلفی را در برابر اذهان جوانان پدید آورده بود. یکی از این نمودها در شهرستان بانه این است که مدرسه دیگر به‌عنوان نهاد اجتماعی، به نیازهای گوناگون سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی مدرن جواب‌گو نیست و در بین جوانان - که هویتشان عمدتاً متأثر از محیط بازاری شکل می‌گیرد - جایگاهی ندارد. اینجاست که مسئله حاد به وجود می‌آید که چگونه ایدئولوژی‌های مسلط مثل سرمایه‌داری مصرفی می‌توانند بر تمام ابعاد فرهنگ جوانان اثر بگذارند و درعین حال به فرهنگ بازاری اجازه دهند که از راه تغییر شکل عناصر اولیه، مدعی اصالت باشند و با سازوکارهای خاص خود، مانع سرمایه‌گذاری افراد در امر آموزش شوند. در این تحقیق، کشف و شناسایی دلایل هژمونی‌سازی بازار و فرهنگ خاص این سوداگری‌ها بر تحصیلات جوانان مدنظر است و سعی بر این است که نظام بازار شهر بانه و حوزه تحصیلات جوانان واکاوی شود تا واقعیت‌های تحصیلی در منطقه مرزی و آسیب‌های این حوزه از نگاه کنشگران مورد تفسیر واقع شود؛ براین اساس، سؤالات اصلی از این قرارند: از دید کنشگران، چه علل و شرایطی باعث شده است که بازار و تجارت مرزی با این حجم، حوزه تحصیلی جوانان را تحت تأثیر قرار دهد؟ واکنش جوانان بانه در برابر هژمونی بازار چه بوده است؟ این اثرگذاری، چه پیامدهایی برای حوزه تحصیلی - فرهنگی شهر بانه داشته است؟

ملاحظات مفهومی

صورت‌های مختلفی از نظریات در تحقیقات اجتماعی وجود دارد که نوع آن بر مبنای پارادایم اصلی تحقیق انتخاب می‌شود. در این تحقیق، با توجه به دیدگاه محققان - که عینکی کیفی دارند - از نظریات، برای شناخت مفاهیم حساس و ایجاد و ارتقای حساسیت نظری بهره گرفته شده است. در این تحقیق کنشگر، اعتبارساز و شخصاً مولد عالم اعتبارت جامعه است (لیتل، ۱۳۸۶: ۴۵)؛ به عبارت دیگر، کنشگران در این تحقیق، فعال، خلاق و معناساز تعریف شده‌اند که پیوسته در حال ساختن و معنادار کردن زندگی و واقعیت‌های اجتماعی روزمره‌اند (محمدپور، ۱۳۹۲: ۵۰). با این دیدگاه، واقعیات کشف‌شده در میدان مورد تحقیق، برساخته‌های معنادار و آگاهانه است که سیال بودن و در حال شدن، نشانه‌های بارز آن است. رویکردهای مربوط به بازار و تجارت مرزی، ارزش‌های تحصیلی و رهیافت انتخاب کنشگران و گزینشگری‌شان، می‌توانند چارچوبی مناسب برای درک پدیده تقابل بازار و تحصیلات فراهم آورند. بازار، شبکه‌هایی به هم پیوسته است که در آن خرید و فروش به واسطه پول انجام می‌گیرد. در اوایل، بازار چندان مهم نبود و در حاشیه جامعه قرار داشت. کم‌کم در برخی از نقاط جهان، بازار در مرکز توجه جوامع قرار گرفت و در طول سال‌ها مباحثات جدی بین مناسبات بازار و جامعه پدید آمد. به‌طور کلی، اذعان بر این است که به دنبال انتشار کتاب *ثروت ملل* توسط آدام اسمیت در سال ۱۷۷۶ به عنوان منشوری در باب اقتصاد، بازار در مقام یک نهاد حاکم در جوامع شناخته

شد (هان و هارت^۱، ۲۰۰۹: ۱۶). امروزه این نهاد به‌منزله جایی که مبادله اقتصادی در آن انجام می‌گیرد اهمیتی فراوانی یافته است، به‌طوری‌که هیچ شهری را نمی‌توان بدون وجود آن تصور کرد (ودادهیر، ۱۳۹۴: ۱۳۴). جامعه بازار، تلاشی همه‌جانبه برای سود و انباشت است؛ سود و انباشتی که ویژگی بارز سرمایه‌داری به شمار می‌آید. بازار با نظام‌های اقتصادی غیرسرمایه‌داری نیز سازگار است اما در این نظام‌ها حاشیه‌ای و غیررسمی به حساب می‌آید. در این‌گونه نظام‌ها که تقسیم‌کار، بهره‌وری و میزان پولی‌شدن، در سطحی پایین قرار دارد، ممکن است اکثریت مردم چندان خریدی از بازار نداشته باشند و فقط اقلام تجملی یا مصنوعات و مواد خام بخصوصی را خریداری کنند (اسلیتر و تونیکس، ۱۳۸۶: ۴۳). تقابل اقتصاد و فرهنگ، در طول سالیان سال وجود داشته است و ادامه خواهد داشت. همان‌طور که بارز (۲۰۰۵) بیان کرده است «درحالی‌که اقتصاد درباره واقعیت است، فرهنگ در مورد ارزش‌هاست، و درحالی‌که اقتصاد قوی، رئیس‌مآب و مردانه است؛ فرهنگ ضعیف، سلطه‌پذیر و زنانه است» (باینگانی، ۱۳۹۵: ۶۴). با این دیدگاه، فرهنگ به‌عنوان دیگری و حاشیه سرکوب می‌شود (میلنر و براویت، ۱۳۸۵: ۲۳). بازار و وجوهای آن، حاکم بلامنازع سرنوشت بشر و محیط‌زیست طبیعی او خواهد شد و نتیجه‌اش تخریب جامعه است (جرج، ۱۳۸۴: ۵۲). امروزه وضعیت اخلاقی و فرهنگی بیش‌ازپیش در حال تبدیل‌شدن به مظهري از مناسبات بازار است (اسلیتر و تونیکس، ۱۳۸۶: ۲۴۸). با سیطره فرهنگ این بازار که زیر لوای نولیبرالیسم صورت‌بندی شده است، افراد صرفاً با نگاه رقابت برای سود و نفع مالی، اجتماعی می‌شوند و وجود سوژه، به یک سرمایه‌دار تقلیل می‌یابد (دیویس و بنسل^۲، ۲۰۰۷: ۲۵۱). بازار، در میدان مطالعه، موقعیت ممتاز خود را بدون اجبار و به‌وسیله ابزارهای رضایت‌بخش حفظ کرده است. این ابزارها که زرق‌وبرقی فروان دارند، باعث دگردیسی‌ای خاص در انتخاب جوانان شده‌اند. سوژه‌ها نیز در جدال بین بازار و نظام آموزشی، در مقام کنشگر عقلانی، گاه فردی انتخاب‌گر محسوب می‌شوند و به‌قصد فایده‌مندی از چیزی دست به عمل می‌زنند، و گاه منفعلانه و غیرنقدانه و تحت تأثیر دیگران مهم و فشار اجتماعی - که بر آنها غالب است - انتخاب می‌کنند. در این نوع جوامع، منزلت، امری تبعی از حوزه اقتصادی است (شالچی، ۱۳۹۲: ۳۴) و از لایه‌لای ارز، کالاهای لوکس، جشن‌های آن‌چنانی، ماشین‌های نمایشی و چشم‌وهم‌چشمی‌های اقتصادی ریشه می‌گیرد؛ این امر از یک سو، باعث زوال ارزش منزلت فرهنگی و طرد تحصیل‌کردگان می‌شود و از سوی دیگر به بروز رفتار مصرفی می‌انجامد و دارایی مالی را به معیاری برای عامه مردم تبدیل می‌کند و درنهایت چون ارزیابی دیگران - به قول زیمل - معیاری برای احترام به خویشان^۳ قلمداد می‌شود، فرد می‌کوشد با افزودن بر دارایی خود و نمایش آنها، در نگاه دیگران ارجمند و بافتخار تلقی گردد (شالچی، ۱۳۹۲: ۳۴). بسیاری از جوانان برای پاداش‌های فرهنگی دیگر ارزش قائل نیستند و می‌کوشند خود را

1 Hann & Hart

2 Davies & Bansel

3 Self-Respect

به ارزش‌های مورد تأیید جامعه و دیگران برسانند و در چارچوب و سبکی زندگی کنند که در جامعه رواج یافته است. به تبع ظهور مراکز غول‌پیکر تجاری و سرمایه‌داری، چشم‌وهم‌چشمی مالی، معیارهای مالی ذوق و سلیقه، نمود یافتن فرهنگ در لباس و کالاهای مصرفی و غیره، ارزش‌های قبلی کم‌کم رنگ می‌بازند و جوانان نیز به عنوان سوژه‌ها در محاصره ارزش‌ها، اشیاء، کالاها و سبک‌های زندگی‌ای قرار می‌گیرند که بازار و سرمایه‌داری با هژمونی خود به نمایان می‌کند. درواقع، داشتن ثروت، پایه متداول اعتبار و پایگاه سربلندی جامعه می‌شود. برای اینکه شخص در انظار مردم به نیکی شناخته شود، لازم است به میزانی متداول و گاهی نامعین، ثروت داشته باشد. آن دسته از اعضای اجتماع که ثروت و توانمندی کمتری دارند، ارجشان در نظر اعضای دیگر کمتر است، و در نهایت خودشان هم این شأن را می‌پذیرند، زیرا احترام شخص، به احترامی وابسته است که همسایگان برایش به جا می‌آورند. در هر اجتماعی که مالکیت فردی بر کالا رواج می‌یابد، لازم است شخص برای آرامش فکری خود، مانند دیگران آن قدر مال و دارایی مادی جمع کند که در طبقه‌اش مرسوم است، و اگر چیزی بیش از دیگران داشته باشد، بسیار خوشنودکننده خواهد بود (وبلن، ۱۳۸۳: ۷۶). در جامعه‌ای که همه در جستجوی نفع و سودند، منزلت، بازتابی از اقتصاد و دارایی‌هاست. وقتی که مدرسه نتواند جوانان را برای ورود به بازار کار آماده کند و کارکرد جامعه‌پذیرکردن اقتصادی دچار اختلال باشد، دانش‌آموزان و جوانان در آن محیط، گرفتار از خود بیگانگی می‌شوند.

پیشینه تجربی

در این بخش، پژوهش‌هایی مرتبط با پیامدهای بازار و تجارت مرزی و همچنین مطالعاتی در باب افت کمی و کیفی تحصیل ذکر شده است. حسن‌زاده عادل (۱۳۹۷) در پایان‌نامه ارشد خود به بررسی پیامدهای اجتماعی اقتصاد مرزی و قاچاق در شهر بانه پرداخته است. نتایج این مطالعه نشان می‌دهد که افزایش بیکاری و مشکلات ناشی از آن، تغییرات الگوی مصرف و حتی در برخی موارد دگرگونی سیستم ارزشی جامعه از مواردی است که می‌توان به وضوح تأثیر این پدیده را بر آنها مشاهده کرد. باینگانی (۱۳۹۵) در رساله دکترای خود، با روش اتنوگرافی انتقادی، به مطالعه جامعه‌شناختی تغییرات اقتصادی و پیامدهای فرهنگی در مناطق کردنشین پرداخته است. جامعه مورد مطالعه در تحقیق وی، بازار مرزی بانه بوده است. طبق نتایج این تحقیق، تغییرات اقتصادی، زمینه‌ساز پیامدهایی همچون مشکلات زیست‌محیطی و محدودیت منابع شده است. پیامدهای فرهنگی از این قرارند: در بخش خانواده: نمایشی‌شدن خانواده، زوال منزلت نمادین والدین، گسست نسلی و جنسیتی پوشش، فرسایش بنیان خانواده، تضعیف پیوندهای خویشاوندی و غیره؛ در بخش نظام اعتقادی: مناسکی‌شدن دین، تضعیف مرجعیت روحانیون، استحاله ارزش‌های دینی، واپس‌رانی دین‌داری رادیکال؛ در بخش آموزشی: زوال ارزش دانش، مرجعیت‌زدایی از فرهنگیان، طردشدگی تحصیل‌کردگان، کالایی‌شدن دانش. بررسی نقش مناطق مرزی در وضعیت تحصیلی دانش‌آموزان از منظرگاه دبیران و خود دانش‌آموزان در

شهرهای مریوان و بانه، موضوع مطالعهٔ رضانی (۱۳۹۱) در پایان‌نامهٔ کارشناسی ارشدش بوده است. رویکرد این تحقیق از نوع کمی و روشش از نوع پیمایشی است. نتایج کلی پژوهش وی مؤید ارتباطی معنادار بین میزان اشتغال به کار با پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان است. این نتایج نشان می‌دهند که بین اشتغال به کار و میزان انگیزهٔ پیشرفت دانش‌آموزان رابطهٔ معکوس وجود دارد. قادرزاده و قادری (۱۳۹۲) پیامدهای فرهنگی تجارت مرزی در شهرستان مریوان را مطالعه کرده‌اند. طبق نتایج این تحقیق، پیامدها از این‌قرارند: اجتناب از تقدیرگرایی، گرایش به غلبه بر طبیعت، گرایش به رفاه، عقل‌گرایی، اتکا بر مدرنیته و ظاهرش، گرایش به مظاهر مادی زندگی، عادی‌شدن مرگ، کاهش جمعیت، تنظیم خانواده، افزایش مرگ و تصادفات، اهمیت‌یافتن جنس و اصول بهداشتی، تحصیل به‌مثابه منبع آتی امرارمعاش، آموزش و پرورش مدرن، افت تحصیلی، آینده مبهم تحصیل، کاهش محدودیت‌های جنسیتی برای تحصیل دختران، اهمیت‌یافتن کلاس‌های زبان و کنکور، توریسم تجاری، دگرگونی تعاملات والدین و فرزندان، زوال احترام در ارتباطات اجتماعی، تعاملات اداری آکنده از فساد، و خویشاوندگرایی. بورگن^۱ و همکاران (۲۰۱۴) با بررسی دبیرستان‌های مردمی و نرخ ترک تحصیل مدارس متوسطه، اثرات سرمایه‌گذاری‌های غیررسمی را بر ترک تحصیل بررسی کرده‌اند. با دسترسی به داده‌های سازمان‌های نیروژ- که از کیفیتی بالا برخوردار بوده‌اند- و با استفاده از دو فن مختلف، به این موضوع پرداخته شده است که آموزش در مدارس محلی، احتمال ترک تحصیل در مقطع دبیرستان را به چه میزان افزایش می‌دهد. نتایج نشان می‌دهد که در افرادی که آموزش‌های دبیرستان‌های محلی و غیررسمی را طی کرده‌اند، احتمال دارد نشانه‌های ترک تحصیل به میزانی قابل‌توجهی کمتر شود و آنها دوره‌های دانشگاهی را سپری کنند. اگرچه آموزش متوسطه محلی باعث کاسته‌شدن از احتمال ترک تحصیل در دوره‌های حرفه‌ای می‌شود اما آموزش‌های غیررسمی، تأثیری شگرف بر هدایت تحصیلی جوانان دارد. جولیانایو^۲ و همکاران (۲۰۱۴) در تحقیقی با عنوان ترک تحصیل از مدرسه-مسئله اجتماعی در رومانی، به بررسی پدیده ترک تحصیل پرداخته‌اند. هدف عمدهٔ پژوهش آنها این بوده است که مشکل بزرگ اجتماعی در رومانی که روزه‌روز در حال گسترش است، با توجه به عمق فقر مورد توجه و تعمق قرار گیرد (در این تحقیق هرچند تأکید بر مناطق روستایی است ولی فقط این حوزه بررسی نمی‌شود). روش مورد استفاده در این پژوهش، تحلیل داده‌های ثانویه بوده است و داده‌های آماری ارائه‌شده از سازمان‌های مختلف من جمله مؤسسه ملی آمار، سازمان کمک‌های اجتماعی و حمایت از کودکان، جمع‌آوری و تجزیه و تحلیل شده‌اند. نتایج نشان داده‌اند که ترک تحصیل، در مقاطع اولیه، متوسطه و همچنین در دانشگاه‌ها رخ داده است. یکی از اهداف سیستم حمایت اجتماعی با مفاهیم اقتصادی خرد و کلان، اقدامات، سیاست‌ها و برنامه‌های توسعه‌ای است که برای مبارزه با مشکلات اجتماعی طرح‌ریزی شده‌اند. کرازوگلو^۳ (۲۰۰۹) در مطالعه‌ای مقدماتی در استانبول کوشیده است

1 Borgen

2 Iuliana Ioana

3 Kirazoglu

دلایل ترک تحصیل در دوره‌های متوسطه آموزش و پرورش را تجزیه و تحلیل کند. هدف پژوهش وی جمع‌آوری و تحلیل نظرات مدیران و مشاوران مدرسه در خصوص ترک تحصیل بوده و به این نتیجه رسیده است که ترک تحصیل، معلول عواملی مختلف از قبیل عوامل فردی، عوامل خانوادگی، معلمان، برنامه‌های کاربردی مدارس و نظام آموزشی است.

روش تحقیق

ماهیت سؤال و مسئله پژوهش، به‌عنوان کانون اصلی پژوهش، در انتخاب راهبرد پژوهشی و گزینش نوع روش و رویکرد جهت گردآوری و تحلیل داده‌ها مؤثر است. از نظر حریری و فلیک، مهم‌ترین دلیل در انتخاب هر روشی از قبیل کیفی یا کمی، ماهیت و نوع سؤال پژوهش است (حریری، ۱۳۸۵: ۴۰؛ فلیک، ۱۳۹۲: ۱۳). در این مطالعه، با توجه به ناشناختگی علل - راهبرد و پیامدهای کنشگری جوانان در ساختار اقتصادی مرزی، نبود مطالعات کافی در این زمینه و همچنین منطق تبیین پژوهش - که بر پارادایم برساختی و تفسیری متکی است - روش‌شناسی کیفی انتخاب شده است. از انواع استراتژی‌های موجود در این نحله، نظریه زمینه‌ای برگزیده شده است. کشف تصویر ذهنی جوانان بانه از خودشان به‌عنوان یک کنشگر در کشاکش سرمایه فرهنگی، ترجیحات اقتصادی و دیگر سازوکارهای اجتماعی، بدون توجه به زیست‌جهان آنها امکان‌پذیر نیست. پژوهشگر موظف است وارد دنیای افراد مورد مطالعه خود گردد تا بدین‌سان محیط، تعاملات و تفاسیر بشناسد و مشاهده کند. این، خود، بازگوکننده هدف این تحقیق است؛ تعمق در کنش جوانان بانه‌ای در کشاکش اقتصاد و زندگی تحصیلی. از آنجایی که جوانان، انتخاب مطلوب خود (در آن بافت و بستر) را از دل انتقادهای دیگران به آینده، مقایسه افراد در ساحت‌های گوناگون، منزلت افراد مختلف و به‌طور کلی واقعیت‌های آن جامعه به تصویر می‌کشند، نظریه زمینه‌ای، امکان درک وجوه نهایی ذهنیت‌ها و تصورات را به دست می‌دهد. برای رسیدن به اهداف تحقیق حاضر، از فنون مشاهده، مصاحبه عمیق و نیمه‌ساختاریافته و مصاحبه گروهی استفاده شده و سعی شده است در محیطی کاملاً طبیعی، پدیده مورد مطالعه واکاوی شود. هم‌زمان با گردآوری اطلاعات، تجزیه و تحلیل نیز انجام می‌گرفت. شایان ذکر است که حتی همه مشاهدات - که مکتوب شده‌اند - نیز سطر به سطر و به اصطلاح علمی که «تحلیل خرد» نامیده می‌شود تحلیل شده‌اند. در خصوص تحلیل مصاحبه‌ها می‌توان گفت که پی‌بردن به جزئیات ذهنی هریک از مصاحبه‌شوندگان می‌طلبید که کل متن‌های مصاحبه در هریک از گروه‌ها جزء به جزء آورده شود. قسمت‌های به‌دست‌آمده پ، نخست با توجه به بافت کلی موضوع در نظر گرفته شده و بخش‌های مرتبط از تجربه هر مصاحبه‌شونده، در کنار بخش‌های دیگر - که شباهت سنجی داشتند - قرار داده شده‌اند. این مقایسه تفاوت‌ها و شباهت‌ها کمکی شایان به اعتبار اطلاعات میدانی داشته است. لازم است بگوییم که برای هر سه گروه به تفکیک تمامی مراحل علمی کدگذاری انجام شده است و در نهایت، مقولات هریک از گروه‌ها که برگرفته از مفاهیم متعدد بود، بار دیگر جمع و ترکیب شده، مقولاتی تازه پدید آمد. در نهایت، مقولات اصلی، ذیل مقوله

هسته مرکزی صورت‌بندی شده‌اند. تعداد کل مفاهیم و مقولات، در بخش یافته‌های تحقیق ذکر شده است. میدان مورد مطالعه، شهرستان مرزی بانه است. در ارتباط با نمونه مورد نظر با توجه به متغیرهایی از قبیل وضعیت تحصیلات، کارهای فرهنگی، ارتباط با مدارس، جوانان، بازه سنی جوانان، وضعیت اشتغال و نظایر آن، با سه گروه از افراد مصاحبه شده است. این سه گروه عبارت‌اند از: محصلان (افرادی که در مدارس بانه مشغول به تحصیل بوده‌اند و همچنین دانشجویان شاغل به تحصیل اهل بانه)، جوانان بازاری (افرادی که ترک تحصیل کرده، در بازار مشغول فعالیت بودند و یا شغل آزاد داشته‌اند) و فرهنگیان (مدیران مدارس، معلمان، مشاوران علمی، کتابفروش‌ها، متصدیان کتابخانه مرکزی شهرستان، خیران مدرسه‌ساز و نظایر آنها که به هر نحوی در طول زمان با حوزه تحصیلی جوانان در ارتباط بوده‌اند). برای نمونه‌گیری از بازاریان و محصلان، از شیوه نمونه‌گیری هدفمند استفاده شده است؛ به عنوان مثال، در انتخاب مدارس، به مدارس دولتی، حاشیه‌ای و کلیات آنها توجه شده است و یا اینکه در بین دانش‌آموزان سعی شده است با دانش‌آموزان شاگرداول، معدل متوسط و پایین (با توجه اطلاعات اخذ شده از معاون و مدیر مدرسه) مصاحبه شود. در بین بازاریان ترک تحصیل کرده، از نمونه‌گیری هدفمند (وجه ترک تحصیل) و گلوله‌برفی (شناخت دوستان و همکلاسی‌های قدیمی که ترک تحصیل کرده‌اند) استفاده شده است.

جدول شماره ۲. تعداد مصاحبه‌شوندگان

گروه‌ها	مصاحبه فردی		مصاحبه گروهی	
	مؤنث	مذکر	مؤنث	مذکر
محصلان	۲	۵	۴	۴
بازاری‌ها	۳	۱۰	-	-
فرهنگیان	۵	۹	-	-

در گروه محصلان، با ۸ گروه از دانش‌آموزان (۴ گروه پسران و ۴ گروه دختران) از چهار مدرسه پسرانه و دخترانه متوسطه، مصاحبه گروهی و با ۳ نفر مصاحبه فردی به عمل انجام شده است. در بخش محصلان دانشگاهی نیز با ۴ دانشجو مصاحبه فردی صورت گرفته است. برای مصاحبه با گروه جوانان بازاری که شامل ۱۳ نفر از جوانان می‌شد، از روش گلوله‌برفی استفاده شده است. در گروه سوم یعنی فرهنگیان، با ۱۴ نفر مصاحبه شده است. در مجموع، نمونه این تحقیق مشتمل بر ۸ مصاحبه گروهی و ۳۴ مصاحبه فردی بوده است. مشخصات مصاحبه‌شوندگان در جداول زیر ذکر شده است.

جدول شماره ۳. مشارکت کنندگان بازاری برحسب سن، شغل و دوره ترک تحصیل

ردیف	مشخصات مصاحبه‌شوندگان
۱	۲۴ساله، مغازه‌دار، سال دوم دبیرستان
۲	۱۹ساله، شاگرد انژکتوری، سال سوم دبیرستان
۳	۲۱ساله، لوازم برقی، سال دوم دبیرستان
۴	۲۴ساله، شرکت بیمه، لیسانس
۵	۲۵ساله، آزاد، انصراف از دانشگاه
۶	۲۷ساله، موبایل فروش، لیسانس
۷	۲۶ساله، مغازه لوازم خانگی، انصراف در دوران دانشجویی
۸	۱۷ساله، دست فروش، سال اول دبیرستان
۹	۲۲ساله، فروش لوازم آرایشی، سال سوم دبیرستان
۱۰	۲۸ساله، تجارت آزاد، انصراف از فوق لیسانس
۱۱	۲۳ساله، پست بانک، لیسانس
۱۲	۲۰ساله، کار در مغازه پدر، سال دوم دبیرستان
۱۳	۱۸سال، بازار مرزی، سال اول دبیرستان

جدول شماره ۴. مشارکت کنندگان فرهنگی برحسب سن و شغل

ردیف	اسامی	ردیف	اسامی
۱	۳۴ساله، کتاب فروش	۸	۵۲ساله، خیبر مدرسه ساز
۲	۴۶ساله، مدیر مدرسه	۹	۴۹ساله، مدیر مدرسه
۳	۳۵ساله، مشاور مدرسه	۱۰	۴۱ساله، معاون مدرسه
۴	۳۷ساله، مشاور	۱۱	۳۸ساله، کارمند ارگان دولتی
۵	۳۶ساله، معلم	۱۲	۳۰ساله، کتاب فروش
۶	۳۷ساله، حق التدریس پیام نور،	۱۳	۳۸ساله، معاون مدرسه
۷	۳۹ساله، مسئول کتابخانه	۱۴	۳۶ساله، کارمند دولتی

در جداول زیر، اطلاعات مربوط به رشته و دوره تحصیل هریک از مصاحبه‌شوندگان ذکر شده است.

جدول شماره ۵. محصلان مشارکت‌کننده در مصاحبه‌های فردی برحسب نام، رشته و دوره تحصیلی

ردیف	مشخصات مصاحبه‌شوندگان
۱	رزگار، حسابداری دانشگاه پیام نور، سال دوم
۲	شیدا، مدیریت دولتی دانشگاه پیام نور، سال سوم
۳	سیروان، مکانیک دانشگاه ارومیه، سال سوم
۴	دیلان، علوم تربیتی دانشگاه تبریز، سال سوم
۵	محمد، نقشه‌کشی معماری، سال سوم دبیرستان
۶	دانیال، تاسیسات، سال سوم دبیرستان
۷	حسین، برق اتومبیل، سال سوم دبیرستان

جدول شماره ۶. محصلان مشارکت‌کننده در مصاحبه‌های گروهی برحسب رشته، دوره تحصیلی و تعداد

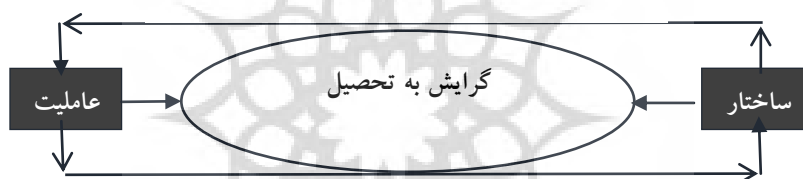
مشخصات مشارکت‌کنندگان در مصاحبه‌های گروهی	
مدرسه شهید صدوقی	ریاضی، انسانی و تجربی، سال سوم دبیرستان: ۳ نفر
	ریاضی، انسانی و تجربی، سال دوم دبیرستان: ۳ نفر
مدرسه نیایش	ریاضی، انسانی و تجربی، سال سوم دبیرستان: ۳ نفر
	ریاضی، انسانی و تجربی، سال دوم دبیرستان: ۳ نفر
مدرسه حجاب	ادبیات و تجربی، سال سوم دبیرستان: ۳ نفر
	ادبیات و تجربی، سال دوم دبیرستان: ۶ نفر
مدرسه زانست	ریاضی، انسانی و تجربی، سال سوم دبیرستان: ۳ نفر
	ریاضی، انسانی و تجربی، سال دوم دبیرستان: ۳ نفر

شایان ذکر است که در این تحقیق، مقایسه پیوسته اطلاعات بین گروه‌های مختلف، یکی از روش‌هایی بوده است که برای سنجش اعتبار، اطلاعات میدانی به کار رفته است؛ در واقع مقایسه اطلاعات و تحلیل چندلایه هر گروه بطور جداگانه و درنهایت، صورت‌بندی و تجمیع کل مقوله‌های هر گروه، ذیل مقولات نهایی، دال بر اعتبار است. ازاین‌گذشته، اطلاعات و یافته‌های تحقیق، با استفاده از مصاحبه‌های فردی، مصاحبه‌های گروهی، مشاهده و حتی تجربه زیسته محقق طی سالیان به دست آمده است که این، خود، گواهی بر باورپذیری (بعنوان یکی از ابزارهای اعتبار تحقیق کیفی) یافته‌هاست. تأییدپذیری بر ساخته‌های این تحقیق برای کنشگران هر سه گروه، یکی دیگر از شیوه‌های سنجش اعتبار بوده است. بدین معنا که نتایج پایانی به چندی از افراد نمونه نشان داده شده و آن را تأیید کرده‌اند. همچنین خود نتایج، به میزان زیادی در محیط مورد مطالعه، از عینیت و بستمندی برخوردارند و می‌توان آن را در بافت مورد بررسی به عینه دید.

تصدیق‌پذیری نیز یکی دیگر از ابعاد اعتبار تحقیق پیش‌روست. در واقع یافته‌های این تحقیق توسط مطالعه‌ای دیگر که فرهنگ را در آن جامعه زیر سیطره بازار صورت‌بندی می‌کند مورد تصدیق است.

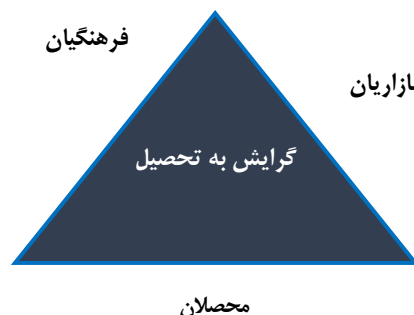
یافته‌ها

با در نظر گرفتن گرایش به تحصیل به عنوان پدیده‌ای متأثر از ساختار و عاملیت سازنده، می‌توان شکل شماره ۱ را متصور شد که بیانگر این نکته قابل تأمل است که تنها یک واقعیت وجود دارد و آن، پویایی بین عاملیت و ساختار است؛ بدین معنا که نمی‌توان به‌طور کلی فرد، ذهنیت و اراده‌اش را بدون چارچوب ساختاری در نظر گرفت و از سوی دیگر نمی‌توان ساختار را به‌کل تعیین‌کننده دانست، بلکه باید رابطه کنش با ساختار و رابطه سطح فردی با سطح کلان را مدنظر قرار داد تا به خطاهای افراط‌گرایی کلان و خرد دچار نشد. در این سازوکار، باید فرد را شناسایی قلمداد کرد که از توانایی درک کنش اجتماعی معنادار، تفسیر، بازاندیشی و بازسازی برخوردار است.



شکل شماره ۱. گرایش به تحصیل در چارچوب عاملیت- ساختار

بدین ترتیب، برای شناخت و معناکاو کنش‌ها و انتخاب‌ها، باید به سازه‌های ذهنی- که برگرفته از واقعیت زندگی در آن بافت است- خطوط و لایه‌های نهانی را بازگشایی کرد و ابعاد اراده و در طرف دیگر ساختارهای محدودیت‌ساز را مورد مذاقه قرار داد. در این پژوهش، برای رسیدن به اهداف، پدیده بین سه ضلع از افراد به‌مانند شکل شماره ۲ قرار داده شده است. بدین معنا برای تبیین مسئله آموزش افراد مختلفی در حوزه‌های متفاوت انتخاب شده‌اند. درواقع افراد نمونه، در کشاکش قدرت ساختار و فاعل اندیشمند در نظر گرفته شده‌اند؛ فرد بازاری به‌عنوان کسی که وارد بازار شده و قدرت بازار بیشترین تأثیر را بر کنش‌های او داشته است، فرد فرهنگی که در این سازوکار تفسیرش بر پایه‌ای غیرمادی شکل گرفته است و خود محصلی که در این کشاکش میدانی دست به انتخاب می‌زند. شایان ذکر است که این افراد به‌عنوان نمونه نمایای قشر اقتصادی، فرهنگی و یا تحصیلی خود در نظر گرفته نشده‌اند، بلکه بدون مطالعه تجربه زیسته هریک از اضلاع این شکل و بدون استفاده از تفسیرهای شناختی آنها، نظریه‌ای مبنی بر این پدیده و تبیین آن به‌درستی ارائه نمی‌گردید.



شکل شماره ۲. اضلاع پدیده گرایش به تحصیل

در این تحقیق به مقتضای اهداف و همچنین بالابردن اعتبار تحقیق - چنان که در بخش نمونه هدف ذکر گردید- داده‌ها، از سه گروه مختلف جمع‌آوری شده است. در هریک از گروه‌ها مراحل کدگذاری روش نظریه زمینه‌ای اجرا شده است. در گروه مربوط به بازاریان، ۹۶ مفهوم ذیل ۱۹ مقوله به دست آمد. در بخش مربوط به محصلان، ۷۷ مفهوم ذیل ۱۷ مقوله صورت‌بندی و استخراج شد. در گروه آخر یعنی فرهنگیان، ۹۲ مفهوم و ۱۸ مقوله حاصل آمد. بعد از تجزیه و تحلیل تک تک گروه‌ها تمامی مقولات، به سطح بالاتری از انتزاع کشیده شده‌اند و مقوله هسته نهایی از درون آنها صورت‌بندی و مدل نهایی ارائه شده است؛ بدین معنا که مقوله‌های عمده هریک از گروه‌ها، از لحاظ شباهت محتوایی، دوباره دسته‌بندی و در قالب مقولات دیگر تنظیم شده‌اند؛ بنابراین، بر روی مقولات مستخرج از همه گروه‌ها فرایند ربط‌دهی و درهم‌آمیزی دوباره انجام گرفته و مدل نهایی با توجه به جنبه‌های شریاطی، تعاملی و پیامدی- که بیانگر تجارت و زندگی تحصیلی است- ارائه شده است. از طبقه‌بندی ۳۷ مقوله عمده، از مجموع سه گروه، ۱۳ مقوله عمده نهایی استخراج شد که در جدول شماره ۷ ذکر شده است. لازم است بگوییم که مقولات مشابه در هریک از گروه‌ها، در مرحله درهم‌آمیزی یک بار نوشته شده و تکرار نشده است.

جدول شماره ۷. مقوله‌های عمده نهایی کدبندی شده به تفکیک ابعاد شریاطی، تعاملی و پیامدی

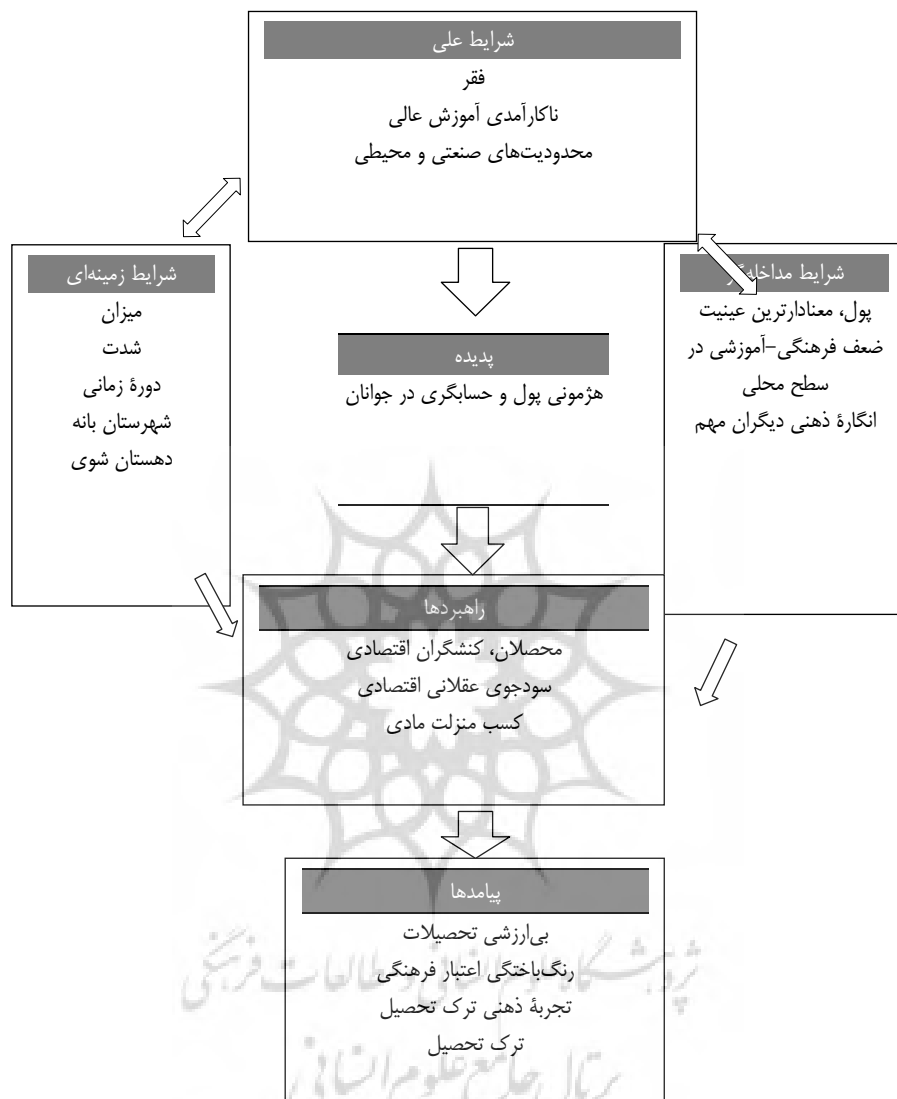
مقوله عمده	مقوله‌های عمده نهایی	نوع مقوله
فقر، نداشتن اشتغال رسمی، بهبود و رونق زندگی امروزه نسبت به گذشته	فقر و نداری در گذشته	شرایطی
کالاهای تحصیلی، ناکارایی تحصیلات عالی، سیاست‌های غلط آموزشی، ارزش‌زدایی از تحصیلات عالی، استخدام‌نبودن	ناکارآمدی آموزش عالی	شرایطی
نبود زیرساخت صنعتی در شهر، محدودیت منابع مناطق، کوهستانی بودن بانه، نبود باغات مناسب، زمین‌های کشاورزی نامرغوب	محدودیت صنعتی و زیست‌محیطی	شرایطی

ادامه جدول شماره ۷. مقوله‌های عمده نهایی کدبندی شده به تفکیک ابعاد شرايطی، تعاملی و پیامدی

نوع مقوله	مقوله‌های عمده نهایی	مقوله عمده
شرایطی	انگاره ذهنی دیگران مهم	همسالان تأثیرگذار، سرمایه فرهنگی خانواده، خانواده تأثیرگذار، فشار اجتماعی
شرایطی	پول، معنادارترین عینیت	تأیید هویت پولی، قدرت پول، راحت طلبی، رشد فرهنگ نوکیسگی
شرایطی	ضعف فرهنگی-آموزشی در سطح محلی	آموزش و پرورش محلی، ضعف مشارکت فرهنگی، ضعف برنامه‌های آموزش و فرهنگ، زیرساخت‌های فرهنگی و آموزشی
راهبردی	محصلان، کنشگران اقتصادی	عاملان اقتصادی، کنشگران اقتصادی، بازاری شدن
راهبردی	سودجوی عقلانی اقتصادی	فراست‌ی شدن، سودجوی بودن، ذهنیت پولی، محاسبه‌گری دوشغله‌بودن
راهبردی	کسب منزلت مادی	معیارهای مادی ارتباطی، جایگاه پولی فرد در مراودات، کسب سرمایه اجتماعی در بازاریان، چشم‌وهم‌چشمی خیرین بازاری، مادی‌بینی سرمایه اجتماعی
پیامدی	بی‌ارزشی تحصیلات	دل‌زدگی از تحصیل، نگرش منفی به تحصیل، افت تحصیلی، اهمیت بالای بازاری شدن، کم‌کاری وظایف تحصیلی فرد
پیامدی	تجربه ذهنی ترک تحصیل	دودلی در ادامه تحصیل، بی‌اعتمادی، بیکاری محصلان و بی‌انگیزگی، دوراهی قرار گرفتن‌های مداوم - کلاس رفتن برای رفع تکلیف
پیامدی	ترک تحصیل	بازاری شدن دانش‌آموزان، انصراف از دانشگاه، بازاری شدن دانشگاهیان، اقدام عملی ترک تحصیل، کاهش دانش‌آموزان پایه‌های مختلف
پیامدی	رنگ‌باختگی اعتبار فرهنگی	کم‌رنگ شدن اقتدار فرهنگی، دوشغله‌بودن افراد فرهنگی

منبع: یافته‌های تحقیق

تمامی مقولات با توجه به مکانیسم اثرگذاری بر و اثرپذیری از مقوله هسته تحت عنوان «هژمونی پول و حساسگری در جوانان» صورت‌بندی و در مدل نهایی زیر ارائه شده‌اند:



مدل نهایی زمینه‌ای پیامدهای تحصیلاتی بازار و تجارت مرزی به مثابه هژمونی پول و حسابگری در زندگی جوانان

«به زر هر آنچه برآید به زور نتوان کرد»

شاید کشاکش کلی این میدان‌ها را بتوان به خوبی در مصرع بالا دید که پول، عنصر اصلی جامعه مدرن است و در مقایسه با گذشته، معنایی در بستر اجتماعی خاص پیدا کرده است. فهم اینکه پول چه معنایی دارد، برای

مردم متفاوت است. به باور وبر (۱۹۴۶) پول، انتزاعی‌ترین و غیرشخصی‌ترین عنصری است که در زندگی انسان وجود دارد و پیشگام روند عقلانیت است. در دنیای جامعه‌شناختی، پول را نمی‌توان الزاماً در معنای واسطه‌گری مبادله خلاصه کرد، بلکه پول، معناهای ذهنی و مناسبات اجتماعی خاصی را با خود دارد که باید واکاوی شود. به موازات رونق گرفتن بازار و تجارت مرزی در منطقه موردنظر، مناسبات و تعاملات اجتماعی و روان‌شناختی افراد، در تسخیر پول قرار گرفته و پول، نسبت به گذشته، معنایی متفاوت‌تر را در زندگی جوانان پیدا کرده است. در ذهن جوان بانه‌ای، کنشگری در بازار، در معنای به‌دست‌آوردن حرمت تعریف شده است. با توجه به مقولاتی همچون تأیید هویت پولی، منزلت مادی، شدت فقر و معیشت سخت، جوان به دنبال موقعیتی است که مبنای تأیید اوست، حالا چه در دنیای بازار مرزی حاصل آید و چه از راه تحصیلات بتواند به آن دسترسی پیدا کند. هرچند وجود بازار مرزی باعث این ذهنیت شده است ولی با معنیافتگی پول، دیگر خود بازار نیز به‌عنوان وسیله شناخته می‌شود. براین‌اساس است که مقوله هسته تحت عنوان پول‌محوری و حسابگری در جوانان، صورت‌بندی شده است. در یک معنا هدف حرمت‌بخشی به خود و کسب منزلت باعث شده است که در کشاکش بازار و تحصیلات، جوانان، بهترین و کارآمدترین راه را انتخاب کنند. البته این به معنای طرد کامل زندگی تحصیلی و بی‌اهمیتی تحصیلات نیست، بلکه ذکر ابعادی از قضیه است که فرهنگیان بازاری (افراد فرهنگی که شغل بازاری دارند) آن را بیشتر نمایان می‌کنند. بعد از این مقدمه کوتاه در باب مقوله هسته، به مقولات عمده نهایی پرداخته خواهد شد.

مقولات شریاطی

مجموعه عوامل مختلفی باعث شده که پوپ بعنوان غایت و هدف اصلی در میان جوانان شهرستان بانه شناخته شود. ازجمله مهم‌ترین این عوامل می‌توان به پدیده تاریخی فقر و سختی معیشت اشاره کرد که در دوران گذشته، دامن‌گیر ساکنان منطقه بوده است. نوع زندگی با توجه به مشکلات زیست‌محیطی - صنعتی باعث می‌شد که مردم همواره زندگی همراه با فقر داشته باشند و معیشتشان سخت باشد. دراین‌خصوص یکی از مشاوران چنین گفته است: «فصول بهار و تابستان به‌خوبی افت جمعیت در شهرستان به‌خاطر کوچ کارگران فصلی مشاهده می‌شد [اشاره به گذشته]». ناامنی مالی و فقر موجب می‌شود که فرد از راه‌های پیش‌رویش به نحو احسن استفاده کند تا بتواند آینده‌اش را تأمین کند و خود را از سختی‌هایی که همیشه به‌واسطه فقر لمس کرده است دور سازد. همین امر، یکی از خصایص نوکیسگان تازه به دوران رسیده است که همیشه ترس آن را دارند که فقر گذشته بازآید و زندگی سخت را دوباره تجربه کنند. به باور اکثر افراد فرهنگی مصاحبه‌شده، از دلایل اصلی گرایش افراد به بازار و کم‌رنگ‌شدن نقش تحصیلات در زندگی هر فرد، فقر و سختی معیشت در دوران قدیم است. نظام معیشتی بسیاری از ساکنان کردستان و خصوصاً بانه قبل از راه‌اندازی بازارچه‌های

مرزی، بر کشاورزی و دامداری مبتنی بود. مشکلات محیطی باعث می‌شد که مردم زندگی را همراه با فقر سپری کنند. تعداد زیادی مشارکت‌کنندگان، درباره فقری گفته‌اند که در دوران تحصیلی و یا حتی در خانواده‌ها رایج بود. معلمی در این باره چنین اظهار کرده است: «منبع درآمد مشخص و پایداری که همیشگی باشد، وجود نداشت. خیلی وقت‌ها فقط شغلی می‌خواستن که محتاج دیگران نباشند. چون زمین کشاورزی نبود؛ و خیلی از اهالی بانه همین وضع زندگی را تجربه کرده‌اند». آنها بیشتر از فقر تاریخی شهرستان بانه سخن به میان می‌آوردند. یکی از فرهنگیان چنین گفته است: «قبلاً از هر ده خانواده بانه پنج خانواده، در فصول بهار و تابستان به کوره‌های آجرپزی و یا اینکه اکثراً برای کارهایی چون چیدن سیب یا انگور روزانه به مناطق دورتر می‌رفتند. میادین بانه [اشاره به میدان جهاد و مروتی] همیشه پر از کارگران و مینی‌بوس‌هایی بود که کارگران را به مناطق مختلف می‌بردند. اتفاقاً راننده‌های مینی‌بوس‌ها شب‌ها اطراف همان میدان می‌خوابیدند» (مشاور، ۳۷ ساله). با توجه به تجربه فقر، افراد بیشتر جذب بازار شده‌اند و همیشه این ترس در آنها غالب است که بازار به وجود آمده ناپایدار است، پس باید نهایت استفاده را کرد. این نهایت استفاده، بر جوانان تأثیرات متفاوتی داشته است که آنها را به سمت اقتصاد و عادت‌واره‌های میدان آن کشانده است. با تأکید می‌توان تأثیر محدودیت‌های صنعتی و محیطی را- به عنوان یکی دیگر از شرایط علی پدیده موردنظر- بر فقر با چشم خود دید، برای مثال، در این شهرستان و خیلی از شهرستان‌های استان کردستان و یا مناطق مرزی ایران، شهرک‌های صنعتی و کارخانه‌هایی که از نیروی ماهر استفاده کنند، یا وجود ندارد و یا از سطح نرمال کشوری پایین‌تر است.

خیری ۵۲ ساله این چنین می‌گفت: «در شهرهای کوچک نه تنها کارخانه‌ای در حاشیه‌های شهر نمی‌بینید، حتی در داخل شهرک صنعتی‌ها نیز اگر بروید مشاهده می‌کنید که کارخانه چه عرض کنم، فقط کارگاه را مشاهده می‌کنیم که وسایل و مواد نه چندان زیاد درست می‌کنن. این کارخانه‌ها نه توسعه‌ای داده شده‌اند و نه هیچی. اگر یک چهارم پاساژ در بانه به این شهرک صنعتی و کارگاه‌های تولیدی توجه می‌شد، وضعیت آموزشی و زندگی تجاری که الان مشاهده می‌کنید، در بانه وجود نداشت». یکی دیگر از مقولات شرایط ساز را می‌توان ناکارآمدی آموزش عالی قلمداد کرد. با توجه به سیاست‌های سرمایه‌سالارانه و تجاری‌شدن دانشگاه‌ها در سراسر دنیا و بالأخص ایران، وفور افراد صاحب مدرکی را شاهدیم که در استخدام کشوری، جایی برایشان تعریف نشده است. یکی از مصاحبه‌شوندگان، تجربه زیسته‌اش در شهر بانه را به این شکل بیان کرده است: «دانشگاه‌رفته‌های بیکار کم نیستن که الان تو بازار مشغول کارند. دقیق این افراد استخدام نشدن. همه اینا رو می‌بینیم و باز هم ادامه می‌دهیم» (سال سوم، تأسیسات). مشاور ۳۷ ساله نیز اظهار کرده است که «رونق بازار دقیقاً با نسل جوانان تحصیل‌کرده‌ی بیکار، دهه ۶۰ مصادف بود که قدرت دوجندانی به رونق و جذابیت بازار داد». این امر، نتیجه سیاست‌های غلط آموزشی است که هرساله تعدادی کثیر از افراد بیکار را روانه بازار می‌کند. مقوله شرایطی دیگری که تحت عنوان

«پول، معنادارترین عینیت» صورت‌بندی شده است، به این امر اشاره دارد که پول، بازنمایی عینی‌شده از تبادل روابط است. پول در خودی خود به غایتی برای عینیت‌بخشیدن به فرد بدل شده است -فرد تعریفی پولی از خود دارد-، چون می‌توان همه‌چیز را حتی دیگر سرمایه‌ها را با آن به دست آورد: «فکر می‌کنید چطور می‌توان کاری کرد که در مجالس تأکید بر شما باشد و به‌نوعی کل مجلس با اشارات و مباحث شما بچرخد. با پول است و با پول. هر مجلسی می‌بینی یارو چون پولداره عزتی جدا از آن جمع داره و بیشتر نظرات رو به خود جلب می‌کنه. اصلاً شما چیزی رو مطرح کنید به اون بیشتر باور دارند تا فردی که جیش خالی‌تره» (معلم، ۳۶ساله). این نکته، بحث پتلاچ‌گرایی را به ذهن متبادر می‌کند که افراد نوکیسه با چه وسایلی سعی در جمع‌آوری احترام، شخصیت و تأیید دارند. مثالی که در اینجا می‌توان به‌درستی به کار برد، مثالی است که فردی فرهنگی دربارهٔ یک مراسم عروسی بیان کرده است. اون چنین گفته است: «فردی ثروتمند که عروسی بالای دویست میلیونی هزینه کرده است [مراسمات ارزشی در آن بافت] به نظر شما نیش از تقدیم صندوق هدیه به انجمن بیماران خاص چیست؟». ضعف فرهنگی و آموزشی در سطح محلی، یکی دیگر از مقولات شرايطی است که صورت‌بندی شده است. به این معنا فاعلان دنیای آموزش و دنیای فرهنگی نیز کم‌کاری‌هایی در حوزهٔ و میدان آموزش داشته‌اند که مورد تأکید اکثر مصاحبه‌شوندگان بود. بازار هرچند قدرتی فراوان دارد ولی در کنار آن وجود عواملی همچون نبود زیرساخت‌های فرهنگی مناسب، نبود برنامه‌های منسجم فرهنگی در سطح شهرستان، زیرساخت‌های آموزشی نامناسب و نظایری از این قبیل باعث شده است قدرت بازار دوچندان شود. یکی از کارمندان در این ارتباط چنین اظهار کرده است: «به نظر من نه تنها این بازار و ویژگی اقتصادی رفاهی آن ضرر ندارد و نباید مورد انتقاد قرار گیرد، بلکه حتی می‌توان آن را با ایجاد شرايطی برای بهبود زندگی مردم مورد تأکید قرار داد. درعوض، باید به نبود زیرساخت‌های فرهنگی مختلفی که در آن قشر فرهنگی، سرمایه اجتماعی خود و شخصیت و منزلت دوباره خود را بازیابی می‌کند اشاره کرد. نباید در برابر بازار قد علم کرد و کل خطا را به او نسبت داد، بلکه باید در کنار آن، مسائل فرهنگی شهری را نیز به‌شدت مورد نقد قرار داد، از جمله نبود آمفی‌تئاتر مناسب در سراسر سطح شهر، نبود سالن سینمای مناسب، نبود مکان‌هایی برای فراغت فرهنگیان و نظایر آن» (کارمند، ۳۶ساله). بدین ترتیب، جدا از بازار، ضعف‌های آموزشی نیز در جدال اقتصاد و فرهنگ بی‌تأثیر نبوده است. از دیگر مقولات شرايطی، مقولهٔ انگارهٔ دیگران مهم است. فرد به‌عنوان موجودی اجتماعی همیشه در حال کنشگری و تعامل اجتماعی است و بسته به اینکه با چه نوع از دیگران مهم در مرادوده باشد و این دیگران مهم در کدامیک از میدان‌های مورد تأکید این پژوهش قرار گرفته باشند، کنش‌های مختلفی را اتخاذ می‌کند. فردی از خانواده‌ای با سرمایه فرهنگی بالا، با فردی که در خانواده‌اش فقط سرمایه اقتصادی حائز اهمیت است، به کلی فرق دارد. جدا از همسالان و تیپ خانواده در برخورداری از اندازهٔ سرمایه، بافت و

اجتماعی که فرد در آن زندگی می‌کند می‌تواند اثراتی مختلف بر جای بگذارد. یکی از دانش‌آموزان سال سوم رشته تجربی اشاره می‌کرد: «پیش‌نیامده که من به پاساژها سر بزنم و یک تحصیل‌کرده‌ای از بدبختی‌هایی که کشیده به من نگه واقعا. طرف فوق‌لیسانس مدیریت بازرگانی گرفته، الان مغازه داره، دقیق تو یکی از پاساژها. دو ماه و خدا شاهد بیشتر من درگیر این ذهنیت بودم که اون بیکاره ما چکار کنیم؟». این موارد، دلایلی روشن از تأثیرات محیط اجتماعی است. فرد نمی‌تواند بدون تأثیرگذاری دیگران، بر تصمیم‌های خود کنترل تام و کامل داشته باشد.

مقولات راهبردی

افراد جامعه مورد مطالعه، در قبال پدیده مورد نظر، راهبرد و کنش‌های مختلفی را برگزیده‌اند. یکی از این کنش‌ها، تحت عنوان محصلان، کنشگران اقتصادی مقوله‌بندی شده است. شرایط ساختاری که باعث می‌شود فرد محصل، در تابستان و حتی در ایام تعطیل، به سمت کار و فعالیت‌های اقتصادی برود، فقر است ولی جدا از فقر، از شرایطی دیگر نیز تأثیر می‌پذیرد. یکی از انواع آن، ذهنیت سنتی _بیکارنبودن فرزند_ است که باعث می‌شود فرد به کل عادت‌های بازار را کسب کند و بعد از شروع سال تحصیلی، تا مدتی مدید تقابل عادت‌واره‌های مختلف را باهم ببیند. جدا از این مورد تقابل و مقایسه خود در خیلی مواقع باعث شده است که فرد در ذهنیت خود، مراحل ترک تحصیل را پشت سر بگذارد. یکی از مصاحبه‌شوندگان چنین گفته است: «پسرخاله من استخدام بهزیستیه و اونجا مشغول به کاره ولی خب حقوقی آن چنانی نداره واقعا. این حقوق آن چنانی منظور در مقایسه با بازاریه که بعضی کم کمش ماهی ۵ میلیون پول درآمد دارند. خیلی وقتا می‌گه ای کاش وارد بازار می‌شدم و حتی به بابا مامانش گیر میدم که چرا نداشتین من راه بازار رو انتخاب کنم. موندم با این شرایط اون ناراضی. همیشه بهش فکر می‌کنم» (سال دوم - تجربی). خیلی از افراد تأکید داشتند که قبل از فرارسیدن تعطیلات، نوع شغل و کاری که قرار است انجام دهند معلوم می‌شود و حتی ایام تعطیل نیز به علت سرازیر شدن مسافران، به کارکردن و دست‌فروشی مشغول می‌شوند. یکی از مصاحبه‌شوندگان در این خصوص این گونه اظهار کرده است: «در بانه دو چیز متفاوت وجود داره. در شهرها، بازار و در روستاها، مرز. بیشتر افراد در ایام‌های مختلف، دوس دارند بروند مرز و یا تو بازار بانه مشغول شوند و درآمدی برای خود داشته باشند. این کارکردن خیلی به تحصیل آنان ضربه می‌زنه. بیشتر به بازار عادت می‌کنند و کمتر درس می‌خوانند» (مدیر مدرسه، ۴۹ ساله). مقوله راهبردی دیگر را می‌توان سودجوی عقلانی اقتصادی نام‌گذاری کرد. به واسطه سلطه بازار و غلبه تجارت و مرز بر زندگی مردمان بانه، ذهنیت و نگرش جوانان به شدت تحت تأثیر قرار گرفته است. یک دلال موبایل نیز این چنین می‌گفت: «زندگی‌ای که من می‌خواستم، با درس‌خوندن به دست نمی‌آوردم» (موبایل فروش، ۲۷ ساله)؛ بنابراین افراد کنش‌هایی را برمی‌گزینند تا در آن بافت تأیید و

فرداست شوند. یکی دیگر از مصاحبه‌شوندگان از گروه بازاریان چنین گفته است: «قبل اینکه ترک تحصیل کنم، خیلی فکر می‌کردم. آخرم چی میشه. به کجا می‌رسم. پشیمون می‌شم یا نه. حتی با دوستانم در میان می‌ذاشتم. ولی با خانواده‌م اصلاً. پس مجبور بودم ببینم و تجربیات دیگران رو نگاه کنم. می‌دیدم بیشتر مردم در مورد چه کسانی حرف می‌زنند، چه چیزی برایشان مهم است. می‌دیدم معلمان از درآمدشون راضی نیستند، این در حالی بود که یارو بازاری، به پولش می‌نازید و مورد تأیید قرار می‌گرفت. سفر خارجی می‌رفت. منم ادامه تحصیل بدم که چی. منفعتم این بود که ترک تحصیل کنم. تا این بازار هست ارزش استفاده کنم و آیندم رو تأمین کنم که فردا روز پشیمون نشم» (بازاری، ۲۱ساله). فرداستی (نوکیسگان، واسطه‌گران اقتصادی) نه تنها معیارهایی جدید از مصرف عرضه می‌کند، بلکه الگویی برای دیگر افراد جامعه و خصوصاً جوانان است؛ معیاری که استاندارد رؤیایی زندگی اهالی را تعیین می‌کند. از دیگر مقولات این بخش می‌توان به راهبردهای جوانان جهت کسب منزلت مادی اشاره کرد.

مقولات پیامدی

راهبردهای اتخاذشده از سوی جوانان شهرستان بانه، پیامدهایی مختلف داشته است. یکی از این پیامدها، با عنوان بی‌ارزشی تحصیلات صورت‌بندی شده است. با ورود بازار و تجارت مرزی به بانه حوزه‌های مختلفی تحت تأثیر قرار گرفته‌اند. به اعتقاد بسیاری از مصاحبه‌شوندگان و چنان‌که مشاهدات، تأیید می‌کند، حوزه آموزشی و گرایش و اشتیاق تحصیلی جوانان به شدت در درون مناسبات اقتصادی رنگ باخته است. به اعتقاد یکی از افراد مصاحبه‌شده «۷۰ نفر از جمعیت آماده به کنکور یک دهه پیش بانه رتبه زیر هزار را کسب کرده بودند» (مشاور، ۳۷ ساله) که در شرایط فعلی، دور از تصور است. این جهش عظیم افت و ترک تحصیل در دوره زمانی ده ساله، مصادف با ورود بازار است. یکی دیگر از مصاحبه‌شوندگان چنین گفته است: «در هنگام بررسی پیشرفت تحصیلی، مدام شاهد کاهش کیفیت شناختی دانش‌آموزان از سرفصل‌های تعیین‌شده هستیم. به‌نوعی که در حوزه پیشرفت تحصیلی، در سطح استان، بانه همیشه جزء شهرهای آخر و دوتای آخری است» (مشاور مدرسه، ۳۵ساله). وفور افراد دارای مدرک و بیکار در جامعه، جوانان را در راه ادامه تحصیل با بن‌بست‌هایی مواجه می‌کند. عواملی همچون کنشگری اقتصادی، احساس بودن و نبودن در میدان آموزش، تأثیراتی از قبیل افت تحصیلی و ترک تحصیل را در پی داشته است. کشاکش بین میدان‌های مختلف در سراسر زندگی آموزشی فرد باعث کنش‌های ذهنی ترک تحصیلی شده است و فرد دائم در این فکر است که اگر ادامه تحصیل دهد به کجا رهسپار می‌شود. یکی از مصاحبه‌شوندگان این نگرانی را به این صورت بیان کرده است: «بابام یک شاگرد فوق‌لیسانس داره که کار می‌کنه، استخدام نشده ولی هیچ‌وقت بهم نگفته که درس نخون و گفته پشیمان نیستی واقعاً. خیلی وقتا ذهنمو درگیر می‌کنه که این استخدام نشده، من فردا روز

چکار می‌تونم/انجام بدم (سال سوم- تجربی). یکی دیگر از دانش‌آموزان متوسطه این چنین بیان کرده است: «همکلاسی دارم، به تحصیلات بی‌میل است و بیشتر در مورد بازار گوشتی حرف می‌زنه». یکی از بازاری‌ها نیز تأکید این گونه اظهار داشته است: «ترک تحصیل یک‌روزه نیست. خیلی از جوان‌ها چندین سال قبل از عمل به مدرسه نرفتن، از لحاظ ذهنی به‌دوراز مدرسه و کتاب هستند» (فروشنده لوازم خانگی، ۲۶ ساله). ذهنیت ترک تحصیلی، تحت شرایط و سازوکارهایی مختلف در فرد شکل می‌گیرد و نمی‌تواند فقط یک دلیل خاص داشته باشد. محصلان، بنابر تجربه‌شان، بر این باور بودند که با رونق گرفتن بازار مرزی، جو آموزشی و در کل، نظام آموزش رنگ باختگه است. رونق و جذابیت بازار از یک سو و طردکنندگی نظام آموزشی از سوی دیگر، مزید بر علت این افت شده است. یکی از مشاوران مدرسه (۳۵ سال)، در خصوص حجم زیاد ترک تحصیل گفته است: «از ۱۳ نفر دوره راهنمایی تنها ۶ نفر به دبیرستان رفتند، مابقی به کلی ترک تحصیل نمودند و مسیر دیگری را انتخاب کردند». این موارد، نشانه‌هایی از بی‌ارزشی تحصیلات در بین جوانان است که مدل نهایی سازوکار آن ترسیم شده است. از دیگر مقولات صورت‌بندی‌شده در بخش پیامدی، رنگ‌باختگی اعتبار فرهنگی است. مشاغل فرهنگی به این دلیل که نمی‌توانند و نتوانسته‌اند همپا با بازاریان پیش بروند، جایگاه و قدرتشان روبه‌زوال است. سازوکارهای مختلفی باعث شده است که این اقتدار تا حد زیادی کم‌رنگ شود. یکی از این مسائل، رواج دوشغله‌بودن معلمان است. یکی از مشارکت‌کنندگان در این باره چنین گفته است: «اینجا باور کنید کمتر معلمی پیدا می‌شه که شغل دومی نداشته باشد. عیبی ندارد شغل دوم، خدا کنه معلمی به شغل دوم آنها تبدیل نشود. از راننده تاکسی بگیر تا دلالی در بازار و یا بنگاه معاملاتی کار می‌کنند» (مشاور- ۳۷ ساله). دانش‌آموزی که این ذهنیت را نسبت به شغل معلمی پیدا کرده است- هرچند در بخش دانش‌آموزان، به‌شدت به آنها حق می‌دادند- هیچ‌وقت دوست ندارد که در آینده، این شغل را- حداقل در بافت اقتصادی بانه- داشته باشد. به دلیل پول‌محوری و منزلتی که در حوزه پول معنا یافته است، افراد فرهنگی فقیر، خود را در حاشیه تعاملات اجتماعی آن بافت می‌بینند. جدا از این مطلب، واسطه‌گران اقتصادی، با قدرتی که در پول خود می‌بینند، به آسانی سرمایه فرهنگی و اجتماعی کسب می‌کنند. یکی مصاحبه‌شوندگان فرهنگی که مشاور ۳۷ ساله است این گونه اظهار کرده است: «در اینجا یک عروسی برگزار شد. قیمت لباس عروس دقیقاً ۱۴ میلیون تومان بوده. در این مکان با این پیشینه فقری واقعاً زیاده. و مطمئنم این عروسی، ۲۰۰ میلیون تومانی خرج برداشته. حالا جالبیش اینه که رو صندوق کادوی عروس داماد دقیق این عنوان نوشته شده است: «کمک به انجمن بیماران خاص». شما تصور کنید ۵۰ درصد خرج عروسی می‌تونست چه کمکی به آن انجمن کرده باشد و هیچ‌کس خبردار نشود». فرد بازاری، شبکه‌ای از روابط را فقط در دایره میدان بازار تجربه کرده و تنها در آنجا به دلیل نوع انتخاب مسیر توانسته است اعتماد اجتماعی را تا اندازه‌ای کسب کند ولی با نگاهی به دیگر میدان‌های زندگی، چون به کل آنها را در حاشیه قرار داده است، تا اندازه‌ای با کمبودهایی از قبیل اعتماد

بین فردی و نبود کارنامه فرهنگی روبه‌رو می‌شود؛ از این‌رو، تلاش می‌کند با استفاده از سرمایه اقتصادی، کمبودهای این حوزه را جبران نماید. درواقع، فرد بازاری که زندگی خود را صرف دادوستد کالا کرده است، در خارج از چارچوب بازار، در همبستگی احساس ضعف می‌کند که برای جبران به هر کاری دست می‌زند. چرایی این کار و لزوم سرمایه اجتماعی در زندگی فرد بازاری می‌تواند اهمیتی خاص داشته باشد. یکی از این موارد، سلامت روان و جلوه‌دادن خود دلخواه است که به‌شدت از منظر او با بازاری شدن و درگیرهای اقتصادی او را تک‌بعدی کرده است، درحالی‌که معلم و دیگر فرهنگیان به‌سختی می‌توانند در میدان اقتصادی حرفی برای گفتن داشته باشند؛ بنابراین، این تبدیل سرمایه‌های اقتصادی و فرهنگی به‌شدت جوانان را تحت تأثیر قرار می‌دهد.

جمع‌بندی و استنباط نظری

مطالعه پیامدهای سیاست‌های مختلف، علی‌الخصوص اقتصادی، به انحای مختلف قابل بررسی است ولی درک و تفسیر مردمان یک مرزوبوم از آن سیاست‌ها و تجربه زیسته‌شان مطالعه کیفی را می‌طلبد. ظهور بازار و تجارت مرزی در نواحی مختلف، پدیده‌ای است که تنها با اتکا به معرفت کنشگران بومی آن نواحی، می‌توان درباره‌اش سخن راند، چراکه پیامد رونق گرفتن این تجارت، در برخی حوزه‌ها مثبت و در برخی دیگر منفی بوده و همچنین توانسته است در حوزه‌ای خاص، پیامدهای مثبت و منفی را توأمان داشته باشد. تأمل در تجربه زیسته و تفسیر و درک افراد مشارکت‌کننده در این تحقیق از پیامدهای تجارت و بازار مرزی بر حوزه تحصیلات، گویای این واقعیت است که پاسخ و عمل افراد به این پدیده، ماهیت محرک - پاسخ ندارد، بلکه کنشی عقلانی - هدفمند است که معناهایی خاص همچون فرادست‌شدن، گریز از فقر قدیم، و آینده‌نگری را می‌رساند. درواقع، واکنش جوانان به پدیده تجارت مرزی، امری بسترمند است و آنها با توجه به شرایط توسعه‌ای، انزوای سالیان طولانی این مناطق، محدودیت‌های صنعتی، اقتصادی و حتی آموزشی آن مناطق دست به عمل زده‌اند. سوژه‌ها درواقع کنشگران فعال و شناسا هستند که به نظامی از ترجیح‌ها و اصول نگرش نسبت به امور و طبقه‌بندی آنها (همان چیزی که معمولاً ذوق و سلیقه نامیده می‌شود)، نظامی از ساختارهای معرفتی پایدار (که عمدتاً و علی‌الاصول محصول ذهنی شدن جمعی ساختار عینی است) و الگوهای عمل که به درک موقعیت و پاسخ نسبت به آن جهت می‌دهد مجهزند (بوردیو، ۱۳۸۰: ۶۳). بدین معنا مردم براساس شناخت و معرفتشان از بافت موجود، اقدام به کنش نموده و به قول خودشان تصمیمات عقلانی اتخاذ کرده‌اند. با این چارچوب، مقوله هسته که تمامی مقولات را دربرمی‌گیرد و به‌عنوان پایه اصلی، آنها را به هم وصل می‌کند و جدا از این، بار تحلیلی دارد، تحت عنوان هژمونی پول و حسابرگری در جوانان صورت‌بندی شده است. در گذشته مردمان بانه، پول و مبادلات تجاری چندان چشمگیر نبود و به ارزش و شأن اجتماعی بدل

نشده بود، بلکه ترکیب کشاورزی و دامداری، شیوه‌های اصلی تضمین معیشت آنها بود. دامداری، بنیان اصلی اقتصاد را تشکیل می‌داد ولی به‌مرور در دوره‌هایی خاص از جمله اوایل قرن بیستم، با تغییرات اساسی در زندگی اقتصادی کردها تا ظهور بازارچه‌ها و تجارت مرزی در قالب سیاست‌های اقتصادی، تغییراتی به خود دید. فرد، دیگر در آن بافت اقتصادی- فرهنگی نمی‌توانست سود اقتصادی را- که در لابه‌لای بازار وجود داشت- انتخاب نکند و دنبال کتاب در کتابخانه‌های مختلف و سر کلاس اساتید برود، چون عادات فکری برگرفته از اجتماع موجود، پیوسته این ذهنیت را بازتولید می‌کرد که پول، مبنای ارزش‌گذاری همه‌چیز است و فرد فقط در حوزه مادیات است که می‌تواند به قدرت دست یابد و منزلت موردتأیید این بافت را کسب کند؛ بنابراین، روی آوردن به آموزش در فرهنگی که چشم‌وهم‌چشمی مادی بر آن سلطه دارد، کاری عبث و بیهوده تلقی می‌شود و باید به قدرت پول پناه برد. با این وجود، امروزه دیگر به‌دلیل سرمایه‌بردن تجارت و دادوستد در بازار و همچنین کم‌رونی و ناپایداری آن، دگردیسی در ذهنیت جوانان را شاهدیم که سراسر زندگی خود را صرف یکی از راه‌های بازار و آموزش نمی‌کنند، بلکه هم‌زمان و از هردو برای رسیدن به آنچه می‌خواهند استفاده می‌کنند و درواقع بعد از محاسبه‌گری، واکنشی عقلانی دارند.

همان‌طور که در مدل نشان داده شده است، فقر، ناکارآمدی آموزش عالی و محدودیت صنعتی و محیطی، شرایط علی قدرت‌گرفتن پول و حسابگری در زندگی افراد بوده است. تأثیر ناامنی مالی به‌نوعی بوده است که همه افراد سعی کرده‌اند از این بازار استفاده کنند. ناامنی مالی و فقر موجب می‌شود که فرد از راه‌های پیش‌رویش به نحو احسن استفاده کند تا بتواند آینده‌اش را تأمین کند و خود را از آشفتگی‌هایی که به‌واسطه این فقر پیش می‌آید دور سازد. بیکاری و- به دنبال آن- نبود درآمد که در طولانی‌مدت نتیجه‌ای جز فقر ندارد، باعث آشفتگی در زندگی و ایجاد درد و رنج می‌شود (فیروزآبادی و صادقی، ۱۳۸۹: ۹۶). بحران شناختی افراد از دیدهای سنتی و سرخوردگی‌های ناشی از آن باعث شده است که فرد وارد این بازار شود و به قولی به فعالیت‌هایی در راستای کسب پول به‌عنوان پایه منزلت و گریز از فقر دست بزند. این بُعد از یافته‌ها در تأیید یافته جولیانایونا و همکاران (۲۰۱۴) است. در کنار فقر قدیم و ترس از بازگشت به آن دوران، کم‌وکاستی‌های نظام آموزشی و صنعتی به‌عنوان بُعد دیگر، در چرایی سلطه بازار در ذهنیت جوانان حائز اهمیت است. با توجه به تجاری‌شدن دانشگاه‌ها در سراسر جهان و بالأخص در ایران، تعداد زیادی افراد دارای مدارک عالی وجود دارند که در حال حاضر بیکارند و یا در مشاغل مشغول به کارند که هیچ‌گونه امنیت شغلی ندارند و درآمدشان اندک است؛ درواقع، سرمایه فرهنگی آنها به سرمایه اقتصادی تبدیل نشده است. در کنار شرایط علی مذکور، شرایط زمینه‌ای و مداخله‌ای از جمله ضعف‌های آموزشی منطقه، معنادارشدن پول، ناپایداری، راحت‌طلبی، رشد فرهنگ نوکیسگی، سرمایه فرهنگی خانواده، خانواده تأثیرگذار، فشار اجتماعی و

دیگر موارد مندرج در جدول بخش یافته‌ها، به تشدید قدرت پول و محاسبه‌گری کمک کرده است. این بخش از یافته‌ها و سازوکار آنها، در مطالعات ذکرشده در بخش پیشینه به چشم نمی‌خورد.

فرد در جامعه‌ای با ویژگی‌های گفته‌شده، راهبرد خاص خود را دارد. دائماً در ذهنیت خود، بازاری شدن را تجسم می‌کند و کنشگری اقتصادی را برمی‌گزیند و دوست دارد همانند سرمایه‌داران، ازسوی جامعه تأیید شود. او نیز که عطش منزلت دارد، می‌کوشد از زندگی مرفه سهمی داشته باشد. به همین دلیل، سودجویی عقلانی، به یکی از مؤلفه‌های اصلی شخصیت او بدل می‌شود و به دنبال آن به‌جای محصل‌بودن، کنشگری اقتصادی و بازاری شدن را برمی‌گزیند. با این انتخاب، زندگی فرد به‌خصوص حوزه تحصیلاتش به‌شدت تحت تأثیر قرار می‌گیرد. پیامدهای این تفسیر از موفقیت می‌تواند افت تحصیل، ترک تحصیل، رنگ‌باختن اقتدار فرهنگی و غیره باشد. مصداق این افت را می‌توان در قبولی افراد در کنکور جستجو کرد. در شهرستان بانه بنابر وجود شرایط علی و دیگر شرایط مداخله‌ای، این روند سیر هندسی به خود گرفته است، تا جایی که اکثراً از زوال ارزش دانش در این شهرستان می‌گویند (قادرزاده و قادری، ۱۳۹۲؛ رضانی، ۱۳۹۱؛ باینگانی، ۱۳۹۵)؛ هرچند امروزه به‌دلیل ناپایداری بازار و مشکلات مرزی و سرمایه‌بربودن تجارت‌های موفق، بازار دیگر آن جذابیت یک دهه و حتی پنج سال قبل را نزد جوانان ندارد.

ازجمله راهکارهای این تحقیق می‌توان به این موارد اشاره کرد: در حیطه سیاست‌گذاری اقتصادی، نبود برنامه‌ریزی کلان در برخورد با تجارت مرزی و مدیریت نادرست آن، باعث سلطه کامل اقتصاد ناپایدار و بی‌سرانجام است که هرروزه به دلایل امنیتی و نبود چاره‌سازی‌های کارآمد، با مشکلات عدیده مواجه می‌شوند. همچنین توجه به منابع زیرساختی صنعتی مناطق مرزی و تقویت کفه اقتصاد منطقه همچون خیلی از شهرهای دیگر می‌تواند رنگ‌باختگی حوزه‌های مختلف فرهنگی را تا حدودی مدیریت کند. طبیعتاً در مناطقی که هیچ زیرساخت صنعتی و کشاورزی ندارند، رشد بازار و تجارت مرزی که یک‌شبه افراد زیادی را پولدار می‌کند، می‌تواند جذابیتی فراوان داشته باشد.

منابع

- 0 اسلیتر، دن و تونیکس، فرن (۱۳۸۶). *جامعه بازار: بازار و نظریه اجتماعی مدرن*. ترجمه: حسین قاضیان. تهران: نشر نی.
- 0 باینگانی، بهمن (۱۳۹۵). *مطالعه جامعه‌شناختی تغییرات اقتصادی و پیامدهای فرهنگی در مناطق کردنشین (اتنوگرافی انتقادی بازار مرزی بانه)*. رساله دکتری. دانشکده علوم اجتماعی. دانشگاه تهران.
- 0 جرج، سوسان (۱۳۸۴). بررسی وجوه، ابعاد و آثار اجتماعی و تاریخی نئولیبرالیسم. ترجمه: علی اصغر سعیدی. *نشریه اقتصاد و تعاون*، شماره ۱۷۰.
- 0 حریری، نجلا (۱۳۸۵). *اصول و روش‌های پژوهش کیفی*. تهران: دانشگاه آزاد اسلامی.
- 0 رمضانی، قباد (۱۳۹۱). بررسی دیدگاه دبیران و دانش‌آموزان مقطع متوسطه در خصوص نقش مناطق تجاری مرزی شهرهای بانه و مریوان بر وضعیت تحصیلی دانش‌آموزان. رساله کارشناسی ارشد. دانشکده ادبیات و علوم انسانی. دانشگاه کردستان.
- 0 شاطریان، محسن؛ اسمی، زهرا و همکاران (۱۳۹۲). بررسی عوامل اجتماعی مؤثر بر ناهنجاری‌های رفتاری دانش‌آموزان؛ مطالعه موردی شهرستان آران و بیدگل. *مجله مطالعات توسعه اجتماعی*، سال پنجم، شماره ۳. ۱۳۵-۱۳۳
- 0 شالچی، وحید (۱۳۹۲). *عطش منزلت در جامعه ایرانی. مجله جامعه‌شناسی ایران*، دوره چهارم، شماره ۲: ۵۶-۳۰.
- 0 فلیک، اوه (۱۳۹۲). *درآمدی بر روش تحقیق کیفی*. ترجمه: هادی جلیلی، تهران: نشر نی.
- 0 فیروزآبادی، سیداحمد و صادقی، علیرضا (۱۳۸۹). وضعیت طرد اجتماعی زنان فقیر روستایی. *مجله بررسی مسائل اجتماعی ایران*، سال اول، شماره اول. ۱۷۴-۱۴۳
- 0 لیتل، دانیل (۱۳۸۶). *تبیین در علوم اجتماعی*. ترجمه: عبدالکریم سروش. تهران: انتشارات صراط.
- 0 محمدپور، احمد (۱۳۹۲). *روش تحقیق کیفی (ضد روش ۱)*. تهران: انتشارات جامعه‌شناسان.
- 0 میلنر، آندرو و براویت، جف (۱۳۸۵). *درآمدی بر نظریه فرهنگی معاصر*. تهران: ققنوس.
- 0 وبلن، تورستاین (۱۳۸۳). *نظریه طبقه مرفه*. ترجمه: فرهنگ ارشاد. تهران: نشر نی.
- 0 ودادهیر، ابوعلی و محمدی، عاطفه (۱۳۹۴). بررسی جامعه‌شناختی تغییرات ارزش‌های اجتماعی- فرهنگی بازاریان تبریز. *مطالعات جامعه‌شناسی شهری*، سال پنجم، شماره ۱۴: ۱۶۰-۱۲۳.
- 0 قادرزاده، امید و امید قادری (۱۳۹۲). مطالعه کیفی پیامدهای فرهنگی تجارت مرزی در شهرستان مریوان. *مجله مطالعات اجتماعی ایران*. دوره ۷، شماره دو: ۱۵۴-۱۳۵
- 0 بوردیو، پیر (۱۳۸۰). *نظریه کنش: دلایل عملی و انتخابی عقلانی*، ترجمه: مرتضی مردیها، تهران: انتشارات نقش و نگار، چاپ اول.
- 0 حسن زاده، عادل (۱۳۹۷). بررسی پیامدهای اجتماعی اقتصاد مرزی و قاچاق در شهر بانه. پایان نامه ارشد، دانشکده اقتصاد و علوم اجتماعی، دانشگاه بوعلی سینا

- 0 Anderson, D. M. (2010). In School and Out of Trouble? The Minimum Dropout Age and Juvenile Crime *.mimeo*, University of Washington.
- 0 Borgen, Solveig t (2014). Folk High Schools and Dropouts from Upper Secondary School: Effects of Non-academic Investments in Dropouts. *School Effectiveness and School Improvement*, Volume 26: 153-168.
- 0 Christina T., et al (2014). A Nexus Between Higher Education, Security Challenges and Sustainable Development in Nigeria. *Journal of Research & Method in Education*, Volume 4, Issue 4 Ver. I (Jul-Aug. 2014): PP 16-22.
- 0 Dubourg, R., J. Hamed, and J. Thorns (2005). The Economic and Social Costs of Crime against Individuals and Households (2003/2004) Home Office Online Report 30/05.
- 0 Iuliana Ioana, Merceet al (2014). School dropout - a social problem in Romania. *Journal: Procedia - Social and Behavioral Sciences*, Volume 182: 623-628.
- 0 Kurss, Glenda & McGrath, Simon e, al (2015). Higher education and Economic Development: The Importance of Building Technological Capabilities. *International Journal of Educational Development*, 43: 22-31.
- 0 Lochner, L & Moretti, E., (2004). The Effect of Education on Crime: Evidence from Prison Inmates, Arrests and Self-reports. *Am. Econ. Rev.* 155-189.
- 0 Lochner, L & Morettim, e (2003). The Efect of Education on Crime: Evidence from Prison Inmates, Arrests, and Self-Reports. October.
- 0 Machin, S., et al (2013). The Crime Reducing Effect of Education. *The Economic Journal*, 121: 463-484.
- 0 Northern Illinois University (2005). The Role of Higher Education in Economic Development, Higher Education Alliance for the Rock River Region.
- 0 Tandon, R (2008). *Civil Engagement in Higher Education and Its Role in Human and Social Development*, GUNI Higher Education in the World 3. Basingstoke Palgrave Macmillan.
- 0 Thomson, A (2008). *Exploring the Relationship Between Higher Education and Development: A Review and Report*. September.
- 0 Han, Ch & Hart, k (2009). *Market and Society: The Great Transformation Today*. Cambridge University Press.
- 0 Kirazoglu. Cem (2009). The Investigation of School-dropout at the Secondary Level of Formal Education: the Stated Reasons by the School Administrators and School Counselors: a Preliminary Study. *Procedia - Social and Behavioral Sciences*, Volume 1, Issue 1: 905-914.
- 0 Davies, B & Bansel, P (2007). Neoliberalism and education. *International Journal of Qualitative Studies in Education*, 20 (3): 247-259. doi: 10.1080/09518390701281751.